



The Impact of Imam Khomeini's Theory of Fitrah on Early Childhood Curriculum Elements: A Implication Research in the Humanities (dalālat-pazhuhi)

Fatemeh Sadr 

Assistant Professor, Institute for Educational Studies and Research Ministry of Education of the Islamic Republic of Iran, Tehran, Iran. Email: f.sadr@oerp.ir

Abstract

The concept of Fitrah (innate human nature) stands (spots) as one of the most significant and controversial concepts in the philosophy, philosophy of education, particularly within Islamic theories of education. This concept serves as a foundational principle in Islamic anthropology, emphasizing a divine trust and a shared God-given nature inherent in all human beings, characterized by inherent inclinations and knowledges concerning power, love, self-sufficiency, and knowledge. It encompasses the pursuit of all divine names and attributes. This study aims to derive the educational implications of the concept of Fitrah, based on the anthropological foundations of Imam Khomeini—derived from Ayatollah Shahabadi's theory of Fitrah—for the elements of the early childhood curriculum. Employing a fundamental approach and utilizing an analytical-inferential method grounded in library-based data, this research investigates the implications of the theory of fitrah. The findings show that the child, possessing an inherent perfectionism stemming from monotheistic Fitrah, is inclined toward the development and transcendence of their existential capacities through all divine names and attributes, encapsulated in four goods: ability, possession, knowledge, and beauty. This pursuit of perfection manifests during early childhood through characteristics such as self-love and self-awareness, the seeking of dignity and honor, rationality and the pursuit of truth, and choosing and the willing. Grounding the elements of the curriculum—namely content; teaching-learning processes; environment, tools, and equipment; parents and educators; and evaluation—in the theory of fitrah yields implications that manifest in the child's inclinations, insights, and actions as a desire for more and better attainment of all goods. Consequently, the responsibility of those entrusted with the child's upbringing is to educate the child toward being inclined toward transcendent goods, attaining knowledge and understanding of them, and acting in accordance with them.

Keywords: Fitrah, Inclination toward the Good, Perfectionism, Early Childhood, Imam Khomeini, Curriculum Elements, Implication Research in the Humanities (Dalālat-Pazhuhi).



©2026 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت



مقاله پژوهشی

<https://fedu.um.ac.ir>

دسترسی آزاد

تأثیر نظریه فطرت امام خمینی^{ره} بر عناصر برنامه درسی دوره اوان کودکی: تبیینی دلالت‌پژوهانه

فاطمه صدر استادیار، پژوهشکده تعلیم و تربیت، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، تهران، ایران. f.sadr@oerp.ir

چکیده

مفهوم فطرت از مهم‌ترین و بحث‌برانگیزترین مفاهیم در فلسفه، فلسفه تعلیم و تربیت و به‌ویژه نظریه‌های اسلامی تعلیم و تربیت است. این مفهوم، اصلی زیربنایی در انسان‌شناسی اسلامی است که به ودیعه الهی و سرشت خدایی مشترک در تمام انسان‌ها با گرایش‌ها و معرفت‌هایی در زمینه قدرت، عشق، غنا و علم تأکید دارد و طلب تمام صفات و اسماء الهی را در بر می‌گیرد. هدف از این پژوهش، استخراج دلالت‌های تربیتی مفهوم فطرت با استناد به مبانی انسان‌شناسانه امام خمینی^{ره}، برگرفته از نظریه فطرت آیت الله شاه‌آبادی، در عناصر برنامه درسی دوره اوان کودکی است. یافته‌های پژوهش که با رویکردی بنیادی و با روش تحلیلی-استنتاجی و متکی بر داده‌های کتابخانه‌ای به دلالت‌پژوهی نظریه فطرت می‌پردازد، بیانگر آن است که کودک با برخورداری از کمال‌طلبی ناشی از فطرت توحیدی برای توسعه و تعالی ظرفیت‌های وجودی خود به همه اسماء و صفات الهی، خلاصه شده در چهار خیر: توانایی، دارایی، دانایی و زیبایی، گرایش دارد و این طلب کمال را در دوره اوان کودکی در ویژگی‌های خوددوستی و خودمیان‌بینی، کرامت‌خواهی و عزت‌طلبی، تعقل و حقیقت‌جویی و انتخاب‌گری و اراده‌ورزی بروز می‌دهد. ابتنای بر نظریه فطرت برای عناصر اصلی برنامه درسی، شامل: محتوا؛ فرایندهای یاددهی-یادگیری؛ محیط، ابزار و تجهیزات؛ والدین و مربی و ارزشیابی، دلالت‌هایی دارد که خود را در گرایش‌ها، بینش‌ها و کنش‌های کودک به صورت بیشتر و بهتر خواستن همه خیرها، نشان می‌دهد. وظیفه متولیان تعلیم و تربیت کودک در این راستا، تربیت کودک در جهت گرایش‌مندی به خیرهای متعالی، معرفت و درک آنها و رفتار براساس آنها است.

واژگان کلیدی: فطرت، گرایش به خیر، کمال‌طلبی، دوره اوان کودکی، امام خمینی، عناصر برنامه درسی، دلالت‌پژوهی

مقدمه و بیان مسأله

دوره اوان کودکی زمینه‌ساز رشد و تربیت متوازن، یکپارچه، منسجم و همه‌جانبه انسان در مراحل بعدی زندگی است. این دوره مهم رشدی، سن کودک از بدو تولد تا شش سالگی را دربرمی‌گیرد. پرداختن به دوره اوان کودکی به‌عنوان بنیادی‌ترین و اصلی‌ترین دوره شاکله‌سازی و شکل‌گیری هویت انسان، مورد توجه منابع و پژوهش‌های داخلی و خارجی بسیاری بوده است. پژوهش‌های متأخر و تحولی، تجربه‌های جهانی، مستندات و شواهد روان‌شناختی و زیست‌شناختی مانند یافته‌های پژوهشی حوزه‌های یادگیری یا عصب‌شناختی و مغز، دلایل اجتماعی مانند نحوه رشد منش‌ها و کنش‌های اجتماعی، تحول در ساختارها و شرایط زیست انسانی در ابعاد مختلف و الگوهای زندگی خانوادگی در مقایسه با گذشته (American et al., 2024; Committee on the Science of Children Birth to Age 8: Deepening and Broadening the Foundation for Success; Board on Children, 2015; Petrovich, 2025). همچنین تأکید و عنایت ویژه اسلام به تربیت در دوره کودکی همراه با محبت و احترام (Aarafi, 2021) و پرورش جسمی و عقلی و رفع نیازهای او (Hojjati, 2023) که با تعبیر متفاوت در آیات قرآن و احادیث بیان شده است، اثبات‌کننده اهمیت و تأثیر تربیت در اوان کودکی بر تکوین شخصیت انسان و ضرورت توجه به این دوره، از لحاظ نقش تعیین‌کننده آن در زمینه‌سازی تربیتی و شکل‌گیری بسیاری از صفات شخصیتی و خصوصیات جسمی، عقلی، اجتماعی و روان‌شناختی انسان در سایر دوره‌های رشد و زندگی است (Khamenei, 1987; Khamenei, 1992). ازاین‌رو می‌توان نتیجه گرفت که عدم توجه به این دوره مهم، فرصت ارزشمند تربیتی در سال‌های اوان کودکی را زایل و پیامدهای جبران‌ناپذیری در پی خواهد داشت.

از سوی دیگر تحقق هر فلسفه تربیتی مستلزم جریان یافتن مبانی و اصول آن در متن نظام آموزشی و برنامه درسی است (Alamulhuda, 2006). یکی از مهم‌ترین مباحث در مبانی انسان‌شناختی تعلیم و تربیت اسلامی، مبحث فطرت‌مندی انسان/کودک است. فطرت کودک در دوره اوان کودکی نسبت به سایر دوره‌های رشدی، بیدارتر و دست‌نخورده‌تر است؛ لذا شکل‌گیری منظم و جهت‌دهی صحیح‌گرایش‌های کودک در جهت فطرت، بجای گرایش‌محوری بدون جهت‌گیری، ضروری است محور تربیت قرار گیرد (Haerishirazi, 2017).

در سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران به ویژگی‌های برنامه‌های درسی و تربیتی آموزش و پرورش در بخش چشم‌انداز، اشاره شده که از میان آنها، دو ویژگی «ناظر به ویژگی‌ها، نیازها و فطرت الهی دانش‌آموزان» و «برخوردار از رویکردی نوآورانه، آینده‌پژوهانه، واقع‌بینانه، متناسب با فطرت الهی انسان» به

لزوم هماهنگی برنامه‌های درسی با فطرت الهی انسان تصریح کرده است. بند چهار همین سند نیز «فطرت‌گرایی توحیدی» را به‌عنوان رویکرد و جهت‌گیری کلی تدوین برنامه درسی، تعیین کرده و هدف‌گیری محتوای آموزشی و تربیتی و اصول حاکم بر انتخاب راهبردهای یاددهی-یادگیری را زمینه‌سازی برای شکوفایی فطرت الهی بیان کرده است (Supreme et al., 2012). با این حال بین آنچه درباره برنامه درسی دوران اوان کودکی از نظر گاه‌های مختلف می‌دانیم با آنچه باید بدانیم و نیز با نحوه انتخاب ما برای دانستن این برنامه درسی، شکاف‌هایی وجود دارد (File, 2012).

با توجه به محوریت پرداختن به مسأله فطرت در تعلیم و تربیت اسلامی، این نوشتار درصدد پاسخ به این پرسش است که دلالت‌های تربیتی نظریه فطرت را در عناصر اصلی برنامه درسی براساس مبانی انسان‌شناسانه امام خمینی^{ره} استنتاج کند.

پژوهش حاضر به منظور استخراج دلالت‌های تربیتی نظریه فطرت در عناصر برنامه درسی دوره اوان کودکی از مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی بهره برده و با روش دلالت‌پژوهی به تحلیل و استنتاج یافته‌ها پرداخته است. در روش دلالت‌پژوهی به منظور بسط، تدقیق، بهبود، غنابخشی و حرکت در مرزهای دانش بشری در حوزه‌های علوم انسانی، پژوهشگر درصدد است تا از یک فلسفه، چارچوب، رشته، نظریه، الگو یا ایده‌های مطرح در سایر رشته‌ها به‌عنوان دانش مبدا، رهنمودهایی برای کاربرد در دانش تخصصی خود به‌عنوان دانش مقصد، استقراض کند (Danaeefard, 2016). در این پژوهش، نظریه فطرت امام خمینی^{ره} به‌عنوان مبدا دلالت‌پژوهی در نظر گرفته شده و سپس دلالت‌های آن برای عناصر برنامه درسی دوره اوان کودکی به‌عنوان مقصد استنتاج شده است. نخست با بررسی داده‌های کتابخانه‌ای مانند مقالات و پژوهش‌های علمی و کتاب‌ها، مقصود از فطرت به معنای عام و فطرت توحیدی به معنای خاص از نظر این اندیشمند اسلامی، توضیح داده شده و سپس اقتضائات دوره اوان کودکی با توجه به منابع اسنادی و کتابخانه‌ای بدست آمد. در مرحله دوم با روش دلالت‌پژوهی و بهره‌گیری از شیوه تحلیلی-استنتاجی، تبیین شد نظریه فطرت امام^{ره}، چه رهنمودها یا دلالت‌هایی برای جهت‌دهی، متمایزسازی و موجه‌سازی عناصر برنامه درسی دوره اوان کودکی دارد.

چیستی و معنای فطرت

فطرت بر وزن «فَعَلَهُ» بر نوع ویژه، یعنی سرشت خاص و آفرینش ویژه انسان و کیفیت وجودی او دلالت دارد و «لوازم وجود مُدْرِک» یا صفات لازمه وجود او در نظر گرفته می‌شود (Shahabadi, 2002) که دارای سه بعد شناختی، گرایشی و توانشی است (Tarkhan, 2019). دیدگاه مشترک اندیشمندان اسلامی

درباره فطرت آن است که این کیفیت وجودی و ایجابی انسان (Ghafoori Nezhad, 2017) و دیعه‌ای الهی است که به صورت تکوینی در وجود انسان از بدو تولد تعبیه شده است (Mirzaei, 2013) و جهتی الهی و توحیدی دارد. بنابراین کودک نیز با این که در مراتب پایین حیات خود قرار دارد، صاحب فطرت است. برای امور فطری از آن رو که مقتضای آفرینش انسان هستند، می‌توان چند ویژگی در نظر گرفت: ۱. اکتسابی نیستند؛ ۲. شمولیت و عمومیت دارند و همه انسان‌ها از آنها برخوردارند؛ ۳. باوجود آن که شدت و ضعف می‌پذیرند، ثابت و پایدارند و تبدیل یا تحویل‌پذیر نیستند (Tarkhan, 2019)؛ ۴. از جنس گرایش‌ها هستند و گرایش‌های انسان از نقش و جایگاه هدایت‌گری در شکل‌گیری شاکله، دست‌یابی به آگاهی و مبدء عمل او در مسیر آینده زندگی برخوردارند (Haerishirazi, 2017).

فطرت از آنجا که از سوی خداوند به صورت بالقوه تعبیه شده است، قابلیت فعلیت یافتن دارد و می‌تواند توسعه پذیرد یا برعکس، به فراموشی سپرده شود؛ اما هرگز از بین نخواهد رفت. این سرشت الهی از جنبه معرفتی، معرفت حضوری انسان به خدا و در بُعد گرایشی، میل به بی‌نهایت‌ها و همه کمالات مطلق، از جمله گرایش به کمال پرستش، حقیقت‌جویی، فضیلت‌خواهی و زیبایی‌دوستی را در برمی‌گیرد و این قابلیت را دارد که به همه گرایش‌ها، شناخت‌ها، صفات و اعمال انسان، جهتی الهی بخشیده و زندگی او را به سمت حیات طیب و نیل به موجودیتی والا و هدفدار، هدایت کند (Ministry et al., 2011).

برخی پژوهش‌های متأخر غربی نیز با بهره‌گیری از شواهد تجربی به نحوی به مفهوم فطرت اشاره داشته‌اند. این پژوهش‌ها اثبات کرده‌اند ذهن کودکان در مواجهه با حوزه‌های مختلف یادگیری، همچون لوح سفید نیست؛ بلکه برعکس، برخی مفاهیم و گرایش‌های مرتبط به آن حوزه را از پیش در خود دارد. چنان که کودک در مسیر تحولی خود، بدون هرگونه آموزش یا خوراک مذهبی از سوی دیگران، برخی مفاهیم مذهبی را از پیش دارد و یادگیریش را بر این مفاهیم، به‌ویژه مفهوم خدا به عنوان یک عامل علی، بنا می‌کند (Petrovich and Wellman and Gelman, as cited in Petrovich, 2025).

جدا از مفهوم فطرت در ادبیات فلسفه غرب که گاه با مفهوم طبیعت هم معنا گرفته می‌شود و موضوع بحث این پژوهش نیست، نظریه‌های مختلفی درباره فطرت الهی یا توحیدی در ادبیات علمی دینی، ارائه شده است که از منظرهای انسان‌شناختی دینی، انسان‌شناختی فلسفی-عرفانی و نظریه‌های روان‌شناختی و معرفت‌شناختی، بیان شده و در تعریف، اقسام و مصادیق فطرت، اندکی تفاوت دیدگاه با یکدیگر دارند (Beheshti, 2016). فلذا بایسته است پیش از آنکه دلالت‌های تربیتی فطرت توحیدی در عناصر برنامه درسی

بستر ساز شکوفایی فطرت مورد بررسی قرار گیرد، نظریه فطرت توحیدیِ مبنای این دلالت‌ها یعنی فطرت توحیدی از منظر امام خمینی^{۱۰} توضیح داده شود.

چیستی فطرت از نظر امام خمینی^{۱۱}

فطرت در اندیشه امام خمینی جایگاهی بنیادین، محوری و انسان‌ساز دارد. رویکرد حکمی امام درباره فطرت با نظر به چهار منبع اسلامی: قرآن، فلسفه، عرفان و فقه، استنباط شده است و ایشان در این رویکرد، از نوآوری‌های نظریه فطرت استاد خود، آیت الله شاه‌آبادی، متأثر بوده است. استاد امام به فطرت به مثابه یک بحث مهم فلسفی و عرفانی می‌نگرد و از تمسک به مقتضیات فطرت انسانی برای اثبات برخی مباحث فلسفی و از جمله اثبات مبدا با ۱۰ برهان بهره می‌جوید (Ghafoori Nezhad, 2017).

مقصود از فطرت توحیدی، معرفت و گرایشی اصیل به سمت کمال مطلق، یعنی خدای یگانه است که به صورت حالت و هیأتی تکوینی که خداوند، خلق را بر آن قرار داده و از لوازم و خمیره وجود اوست، ظهور و بروز دارد (Mousavi Khomeini, 1993). از نظر امام خمینی «نفس [انسان] توجه به کمال مطلق دارد» و حتی آن کسانی که به دنبال دنیا و مظاهر قدرت مطلق، حیات مطلق، اراده مطلق، علم مطلق و... هستند (Mousavi Khomeini, 2012) نیز در پی یافتن خدا هستند، اما خودشان متوجه این گرایش الهی نیستند (Mousavi Khomeini, 2010c). از این رو می‌توان گفت فطرت صرفاً به معنای باور به یگانگی خدا نیست و میل و طلب تمام صفات و اسماء الهی را در برمی‌گیرد. تمام عالم بر فطرت کمال‌طلب خلق شده است و این کمال مطلق، معشوق همه موجودات از جمله انسان است (Jafari Horestani, 2015).

در دیدگاه امام خمینی، فطرت از دو سویه برخوردار است. به این معنا که «خداوند در هنگام آفرینش طینت انسان، دو فطرت، که یکی سمت اصلی و دیگری سمت فرعی دارد، به او عطا فرمود: فطرت اصلی، عشق به کمال مطلق و خیر و سعادت است که همه انسان‌ها از آن برخوردارند و یک نفر را نمی‌توان پیدا کرد که به حسب اصل جبلت و فطرت، متوجه به کمال و عاشق خیر و سعادت نباشد و دیگری از آن دو فطرت، که سمت فرعی و تابعیت دارد، فطرت تنفر از نقص و انزجار از شر و شقاوت است» (Mousavi Khomeini, 2012). علی‌رغم برخورداری همه انسان‌ها از فطرت توحیدی و کمال‌طلبی ذاتی که موجب می‌شود اگر مانعی آنها را از مسیر هدایت منحرف نکند، تاحدزیدی قادر باشند بدون نیاز به کمک دیگران در مسیر خداجویی حرکت کنند، به سه دلیل انسان نیازمند تربیت است:

۱. انسان علاوه بر هدایت تکوینی فطرت، نیازمند هدایت تشریعی و نیز تربیت براساس این دو هدایت است.

زیرا «فطرت او با تربیت شکوفا می‌شود» (Mousavi Khomeini, 2010c).

۲. انسان در مسیر قرب الهی با موانع بیرونی و درونی مواجه است که فطرت او را در معرض تشخیص غلط از مصادیق کمال و گرفتار شدن در فطرت محجوبه قرار می‌دهد. خو گرفتن انسان به کمال‌های وهمی، تمتعات دنیوی و زندگی حیوانی، چه در مرتبه فردی و چه در مرتبه اجتماعی (Jafari Horestani, 2015) و درگیر شدن او با لعب، لهو و زینت دنیا موجب پوشیده شدن تدریجی فطرت و در نهایت، غفلت و انحراف او یا دست کم باقی ماندن و در جا زدن در همان وضعیت بدوی انسانی می‌شود (Okhovvat, 2016).

۳. انسان به موجب فطرت، بی‌نهایت‌طلب است و اگر بواسطه تربیت اشتباه در مسیر الهی، هدایت نشود تا مصداق حقیقی کمال را تشخیص دهد، به دلیل گرایش به لذت‌ها و مراتب پایین حیات و تشخیص اشتباه در جهت کمال‌طلبی بی‌نهایت، در فعلیت یافتن حیوانی به کمال بی‌نهایت می‌رسد و نمی‌تواند به سعادت برسد (Jafari Horestani, 2015). امام خمینی در این زمینه می‌گوید: «انسان اگر به حال خودش باشد در شهوت، غیرمتناهی است، آمالش و در غضب هم غیرمتناهی است و در حس سلطه‌جویی هم غیرمتناهی است» (Mousavi Khomeini, 2010b) و اگر این نامحدودخواهی انسان در برآورده کردن تمایلات نفسانی و حیوانیت صرف شود، یک حیوان نامحدود می‌شود که فقط کمالات حیوانی را طلب می‌کند (Mousavi Khomeini, 2010a).

از نظر امام خمینی^۹، اطمینان برای قلب انسان، هنگامی حاصل می‌شود که به خدا برسد و این غایت تربیت است؛ چرا که «هیچ چیز انسان را سیر نمی‌کند مگر این که تربیت بشود که با این تربیت به منتها سیری که در این سیر، آن منتها، تمام چیزهایی است که انسان می‌خواهد؛ و آن رسیدن به کمال مطلق است. به کمال مطلق اگر رسید این طمأنینه برایش حاصل می‌شود» (Mousavi Khomeini, 2010c). از این رو شکوفایی فطرت، نیازمند تربیت و برنامه‌ریزی از بیرون در طول حیات برای به فعلیت رساندن کمالی حیات جسمانی در مرحله کودکی و شاکله‌سازی و بسترسازی برای رسیدن به کمال حیات انسانی و الهی از طریق پرورش ظرفیت‌های وجودی و توانمندی‌های روحی است.

اقتضائات فطرت در تعلیم و تربیت

روشن شد که لازمه شکوفایی و فعلیت یافتن فطرت، تربیت است. از دیدگاه امام «تربیت هدایت طُرق نجات و ارائه راه‌های سعادت و انسانیت و تحذیر از منافیات آن [است] که به توسط انبیاء علیهم السلام اظهار فرموده. و اگر کسی با قدم اختیار خود را در تحت تربیت و تصرف رب العالمین واقع کرد و مربوط آن تربیت شد به طوری که تصرفات اعضا و قوای ظاهریه و باطنیه او تصرفات نفسانیه نشد بلکه تصرفات الهیه و ربوبیه گردید، به مرتبه کمال انسانیت که مختص به این نوع انسانی است، می‌رسد» (Mousavi

(Khomeini, 1990). بنابراین اصل و اساس تربیت، هدایت انسان به صراط مستقیم از طریق بیدار کردن (یقظه)، ایجاد آگاهی و رساندن او به کمال مطلق و توحید با اختیار و اراده خودش است؛ چراکه لازمه حرکت و عزم، آگاهی است (Mousavi Khomeini, 1993) که با تربیت بر مبنای فطرت حاصل می‌شود. باور به فطرت توحیدی انسان در امر تربیت، اقتضائاتی برای تعلیم و تربیت به معنای عام و برنامه درسی به معنای یکی از زیرنظام‌های آن به دنبال می‌آورد. بنابراین باید در هر یک از عناصر برنامه درسی، متفاوت از برنامه درسی‌هایی که براساس مبانی متفاوت یا مغایر نوشته می‌شوند، به آنها توجه ویژه شود. فطرت توحیدی:

۱. مقتضای توجه به انسان/کودک به عنوان امانتی الهی و صاحب کرامت ذاتی است (Nejat Raizan et al., 2015; Supreme et al., 2012).
۲. اگرچه بُعد معرفتی و بینشی هم دارد؛ اما از جنس گرایش، میل و رغبت است که در تعبیر عرفانی امام خمینی^{ره} با لفظ عشق آمده است؛ ولذا بُعد ارزشی آن، قوی‌تر است و در انسان/کودک از درون، شوق به حرکت را موجب می‌شود.
۳. اقتضای طلب والا، توجه قلبی و حرکت حبی و عاشقانه برای کسب کمالات مطلق و دستیابی به سعادت برای انسان/کودک به عنوان گرایشی جهت‌دار و هدفمند دارد (Mousavi Khomeini, 1993; Tabatabaee, 2001).
۴. زمینه سیر جوهری انسان/کودک رو به عالم کمال و کمال‌خواهی (Mousavi Khomeini, 2013) و بی‌نهایت‌طلبی و نامحدودخواهی او در همه ابعاد وجودی را فراهم می‌کند (Mousavi Khomeini, 2010a).
۵. عشق به همه کمالات مطلق، گرایش به همه اسماء و اوصاف جمال و جلال ربوبی و به‌طور خلاصه، خیرها و خوبی‌ها (Tabatabaee, 2001) که در چهار صفت کلی دانایی، دارایی، زیبایی و توانایی قابل دسته‌بندی هستند و مظاهری مانند علم، غنا، عشق و قدرت (Jafari Horestani, 2015) دارند را موجب می‌شود.
۶. در مقابل طلب کمال مطلق و به دنبال آن، از نقص، جهل، شر، شقاوت، ظلم، پستی، زشتی، محدودیت و... تبری دارد و بیزاری می‌جوید (Mousavi Khomeini, 2010d; Mousavi Khomeini, 2012).
۷. حقیقت‌جو و حق‌طلب است (Mousavi Khomeini, 2010a).
۸. طلب پرستش‌گری و ثناگویی دارد (Mousavi Khomeini, 2012)؛ لذا هر انسان/کودک نیز همانند همه ذرات کائنات با درجات متفاوت در هر طلب و خواسته‌ای، خدا را طلب می‌کند (Mousavi Khomeini, 1990).

۹. با بهره‌گیری از جنود عقل همچون تصدیق حق، امید، عدل، خوش‌بینی، سپاسگزاری، توکل، علم، وفاداری، استغفار، نشاط، نرم‌دلی و... (Mousavi Khomeini, 2012)، به شکوفایی می‌رسد (Beheshti, 2016).

۱۰. برای شکوفا شدن و فعلیت یافتن نیازمند حرکت ارادی و بکارگیری اختیار است. چراکه باوجود برخورداری و نزدیکی انسان/کودک به فطرت الله، ممکن است فطرت در اثر غلبه جنبه طبیعت، شیطان و حبّ نفس انسان و خو گرفتن او با رذایل، پوشیده شود ولی انسان می‌تواند با مراقبت نفسانی، اراده نفس در بدن را نافذ گرداند و آن را از عصیان، سرکشی، انانیت و خودسری در برابر خداوند بازدارد و حتی مظهر اراده خدا شود (Mousavi Khomeini, 1993).

۱۱. مقتضی طهارت ظاهری و باطنی است. چراکه عدم تطهیر ظاهر، مانع رسیدن انسان/کودک به فیض خداوند، مقام انسانیت، کمال مطلق و تطهیر باطن می‌شود. تطهیر باطن عبارت است از: طهارت از گناه و افعال ناپسند در مرتبه نخست و متصف شدن به فضایل و ملکات اخلاقی در مرتبه دوم و طهارت قلبی در مرتبه سوم (Tabatabaee, 2001).

۱۲. باتوجه به ویژگی کمال مطلق خواهیش در جهت خیرها لازم می‌آورد که فراگیری علم و دانش با صفای ذات و تهذیب نفس همراه باشد؛ زیرا صفای ذات باعث می‌شود فطرت اعوجاج پیدا نکند و برعکس، ضعف وجودی و کدورت ذات باعث می‌شود انسان نتواند کمالات را با هم ایجاد کند (Bakhtiar Nasrabadi et al., 2011).

۱۳. ساختار یکپارچه دارد؛ ولذا برنامه درسی و محتوایی که فطرت را شکوفا می‌کند نباید مشتت و چندپارچه باشد (Maleki, 2020).

بروزات فطرت در دوره اوان کودکی

۱. هر کودک از آغاز تولد برخوردار از فطرت با جهت‌گیری توحیدی، به‌عنوان بستر اولیه و بنیادین تربیت است.^۱

۲. از آنجاکه شناخت کودک از خودش آغاز می‌شود و قوه تعقل و آگاهی او هنوز شکوفا نشده و قدرت تشخیص مصادیق کمالات حقیقی و بیرون از خود را ندارد و نمی‌داند چگونه باید به آنها دست یابد، همه خیرها و کمالات را در خود می‌جوید و برای خود می‌یابد و تعریف می‌کند و برخوردار از ویژگی

^۱ رسول الله صلی الله علیه وآله: كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ، يَعْنِي عَلَى الْمَعْرِفَةِ أَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ خَالِقُهُ؛ پیامبر خدا صلی الله علیه وآله: هر نوزادی بر فطرت زاده می‌شود، یعنی می‌داند که خداوند عَزَّوَجَلَّ آفریدگار اوست (میزان‌الحکمه، ج ۳، ص ۳۳۱).

خودمیان‌بینی (Mousavi, 2023) می‌شود. بنابراین فطرت در دوره اوان کودکی در محدوده و چارچوب شناخت کودک، موجب بروز گرایش‌های خاصی نظیر خوددوستی، منفعت‌طلبی و بیشترخواهی می‌شود که ریشه در کمال‌طلبی کودک دارد. وی همچنین محبت و توجه ویژه اطرافیان، به خصوص والدین و مربی را طالب است.

۳. کمال‌طلبی کودک در بُعد ادراکی موجب می‌شود علاقه‌مند به جستجوگری، کنجکاوی و پرسشگری مدام و استفاده فراوان از حواس خود برای کشف و درک باشد.

۴. همین کمال‌خواهی در بُعد رفتاری، تجربه‌ورزی و ویژه‌ای را در کودک شکل می‌دهد و موجب می‌شود او منفعت‌طلبانه خواهان و ارسی و کشف، خواستن و داشتن هر آنچه خیر می‌پندارد، باشد.

۵. اقتضای کرامت الهی، ذاتی و غیراکتسابی کودک آن است که بخواهد با اختیار و انتخاب خود، کمال‌ها را بدست آورد. پاسداشت این کرامت و احترام به طلب انتخابگری، لازم می‌آورد زمینه گرایش کودک به خیرهای حقیقی، نه از روی اجبار، اکراه، تنبیه یا تلقین، بلکه از طریق ایجاد انس کودک با خیرها و سپس آگاهی‌بخشی و معرفت‌افزایی نسبت به آنها در بستری غنی از ارزش‌ها، فراهم شود.

۶. آموزش‌گری مستقیم، سخت‌گیرانه، انضباطی، کتاب‌محور و حافظه‌محور با طلب و گرایش فطری کودک به کنجکاوی، تجربه‌ورزی، انتخابگری و... همخوانی ندارد. چراکه اولاً محتوای زیاد یا بسیار چارچوب‌مند و موظفی، روحیه جستجوگری و اکتشاف کودک را به مرور می‌خشکاند و موجب کاهش علاقه و انگیزه یادگیری او در دوره‌های بعدی می‌شود و ثانیاً در مواردی، ناقض سیادت اوست.

نیازها و ویژگی‌های رشدی دوره اوان کودکی

۱. تکلیف از کودک برداشته شده که موجب می‌شود سیادت یا سروری داشته و عمل به گونه‌ای که خود او می‌پسندد به او واگذارده شود تا آزادی عمل^۱ (Mousavi, 2023) حداکثری جز در پاره‌ای موارد که برای سلامت و امنیت او یا دیگران مضر است، داشته باشد.

۲. کودک بیش از بزرگسالان به محسوسات و جهان ملموس و عینی توجه می‌کند و پدیده‌ها را شگفت‌انگیز دانسته و با کنجکاوی، مشاهده، پیگیری، تجربه و بررسی می‌کند (Berk, 2016).

^۱ اَبی عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَمِّهِلْ صَبِيَّكَ حَتَّى يَأْتِيَ لَكَ سِتُّ سَنِينَ ثُمَّ ضُمَّهُ إِلَيْكَ سَبْعَ سَنِينَ فَأَدِّبْهُ بِأَدَبِكَ فَإِنْ قَبِلَ وَصَلَحَ وَإِلَّا فَخَلَّ عَنْهُ» / امام صادق علیه السلام: کودک را تا شش سالگی آزاد بگذار، سپس هفت سال او را با خود داشته باش و به آداب خود تأدیب نما، اگر ظرفیت تربیت‌پذیری در وی بود و اصلاح شد که چه بهتر، در غیر این صورت خود را به زحمت نینداز (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۶ و حرّ عاملی، ۱۴۱۶، ج ۲۱، ص ۴۷۳؛ به نقل از Mousavi, 2023).

۳. فعالیت و بازی^۱ یا به تعبیری، جنب و جوش و جست و خیز، شأن اصلی تربیتی در دوره اوان کودکی است (Mousavi, 2023). به تعبیر دیگر، بازی، کار کودک تلقی می‌شود و یکی از نیازهای اصلی رشدی و لازمه زیست واقعی و مبتنی بر طبیعت او است. بنابراین بازی در این دوره، روش یا راهبرد آموزشی صرف و سرگرمی نیست؛ بلکه مهم‌تر از روش، منبع و محتوای آموزشی و تربیتی است. بازی در سایر نظریه‌های مرتبط با کودکی نیز محوریت دارد (Wisneski & Reifel, 2012).

۴. کودک از ویژگی تقلیدگری از همه عوامل انسانی و غیرانسانی محیط و پیرامون برخوردار است (Altınok et al., 2023) و در دوره اوان کودکی، الگوگیری غیرارادی، تأثیرپذیری و تربیت‌پذیری فوق‌العاده‌ای در نسبت با سایر دوره‌های رشدی دارد و قلب و ذهن او همچون ضبط صوت در حال ذخیره‌سازی پیام‌هایی است که می‌بیند و می‌شنود (Okhovvat, 2016)؛ فلذا رسیدگی و توجه به بستر و عوامل تربیتی کودک در این دوره بسیار اهمیت دارد.

۱۱. به دلیل محور بودن گرایش‌ها در دوره اوان کودکی، نظام ارزشی کودک زودتر از نظام معرفتی او با تأثیرپذیری از بستر تربیتی مانند عوامل محیطی، رفتار بزرگسالان و امر و نهی‌ها، برجسته‌سازی‌ها و... در حال شکل‌گیری است و زمینه‌باورمندی او در سال‌های آتی را فراهم می‌کند.

۱۲. مراتب عمل اخلاقی کودک به دلیل تشکیکی و ضعیف بودن مراتب مبادی عمل اخلاقی (معرفت، میل و اراده) او پایین است، اما میزانی از آن را در این دوره می‌توان یافت؛ لذا جنبه خودسازی عمل اخلاقی، ضعیف بوده و جنبه دگرسازی و تأدیب پررنگ است (Movahediparsa et al., 2018).

دلالت‌های تربیتی فطرت در برنامه درسی دوره اوان کودکی

از آنجا که ۱. دوره اوان کودکی، نقشی اساسی در تکوین شاکله انسان بر عهده دارد و در میان دوره‌های تربیتی و رشدی انسان از مهم‌ترین جایگاه تربیتی برخوردار است؛ ۲. فطرت کودک در این دوره، دست‌نخورده‌تر و مهیاتر برای شکوفاسازی در جهت مقصود خداوند است؛ ۳. کودک، امانتی الهی است و از این‌رو حساسیت تربیتی در رابطه با حقوق و پاسداشت کرامت او بسیار بالاست و ۴. از ویژگی‌ها و نیازهای رشدی خاصی در این دوره برخوردار است؛ ضروری است در تمام فرایندهای تعلیم و تربیت به‌ویژه در سطح

^۱ اَبی عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «الْغُلَامُ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْكِتَابَ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ سَبْعَ سِنِينَ» / امام صادق علیه السلام: کودک باید هفت سال بازی کند، هفت سال کتاب [خواندن و نوشتن] بیاموزد و هفت سال، حلال و حرام را یاد بگیرد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۱۰۷ و حرّ عاملی، ۱۴۱۶، ج ۲۱، ص ۴۷۴؛ به نقل از Mousavi, 2023).

برنامه‌ریزی درسی که تمام عناصر تربیتی او را در برمی‌گیرد، به صیانت و مهیا ساختن بستر مناسب برای شکوفایی فطرت کودک، عنایت ویژه شود.

عناصر برنامه درسی در «سند برنامه درسی ملی» عبارتند از: تربی، مربی، محتوا، فرایندهای یاددهی-یادگیری، ارزشیابی، محیط، ابزار و تجهیزات (Supreme et al., 2012). در تربیت مبتنی بر فطرت، این عناصر در مجموع و با هم‌رسانی و هم‌افزایی یکدیگر، وظیفه تقویت و تکمیل اقتضائات فطری و درک و حرکت در مسیر خیرات متعالی را از طریق شکل‌دهی نظام ارزشی و زیرساخت عاطفی و زیبایی‌شناختی کودک، ساماندهی زیربنای ادراکی و پرورش تعقل و ایجاد الگوهای رفتاری او در راستای این سرشت انسانی اعطاشده از سوی خداوند برعهده دارند. لذا برنامه درسی ضروری است مسیر خیرخواهی و کمال‌طلبی را برای شکوفایی فطری کودک هموار کند و موانع را کنار زده و زمینه‌ها و عوامل مخمور و محجوب کردن فطرت را برطرف و دور سازد تا بنیان تربیتی کودک در این دوره که همچون زیرساختی برای سپری شدن بهینه سایر مراحل رشد است، به درستی بنا نهاده شود و توسعه ظرفیت‌های وجودی و حق‌جویی و حق‌طلبی انسان را در سال‌های آتی به دنبال داشته باشد.

از تلفیق دو دسته اقتضائات فطری و رشدی در دوره کودکی به دلالت‌های زیر در عناصر برنامه درسی این دوره می‌توان دست یافت:

جدول ۱: عناصر برنامه درسی دوره اوان کودکی (هفت سال اول) مبتنی بر نظریه فطرت

عناصر برنامه درسی	
محتوا (کلامی و غیر کلامی)	به صورت بسترمند و متناسب با موقعیت کودک از حیث زمان، مکان و خصایص کودک (Alamulhuda, 2006) و سازگار با زیست بوم و تنوع فرهنگی او ارائه شود.
	زمینه کمال‌طلبی کودک را در بهتر و بیشتر خواستن و داشتن دارایی‌ها، توانایی‌ها، زیبایی‌ها و دانایی‌های حقیقی به تدریج فراهم کند.
	بسترساز روی‌آوری و انس کودک با فضیلت‌های اخلاقی و ارزش‌ها (Beheshti, 2016) و رغبت او به طبیات (Okhovvat, 2016) باشد.
	زمینه آگاهی کودک از کمالات الهی (خیرهای متعالی) و تقویت بینش‌های کودک به سمت خیرها و خوبی‌های الهی را مهیا کند.
	موجب فعال شدن کودک و بروز روحیه کوشش‌گری و انتخابگری در او شده و در آینده بسترساز اراده‌ورزی انسان و پیدایش عزم او شود (Mousavi Khomeini, 1993).

زمینه تعقل کودک را با بهره گرفتن از تقویت‌کننده‌های آن (جنود عقل) همچون: شجاعت، بخشش، حُسن ظن و خوش‌بینی، وفاداری، نشاط، رقت قلب و نرم‌دلی و... متناسب با ویژگی‌های رشدی کودک شکوفا کند.	
تعقل کودک را به منظور رمزگشایی از ذات واقعیت و حقیقت، تقویت و فعال کند تا در آینده در ارزیابی‌ها، به حق رجوع کند و داوری‌هایش را بر حق منطبق کند (Mirzaei, 2013). این معنای آن نیست که کودک می‌تواند با توجه اقتضائات رشدی خود به حقایق در این دوره سنی دست پیدا کند یا قضاوت‌های او کاملاً منطبق بر حق باشد؛ اما ایجاد سوق و زمینه در او برای حرکت و تلاش در جهت کشف حقایق و مطالبه آنها، بخشی از وظیفه محتوای تربیتی است.	
توجهات حسی کودک به عناصر و پدیده‌های جهان خلقت و روحیه جستجوگری و کنجکاوی را در مسیر آیه‌بینی و توجه به خالق هستی هدایت کرده و درک ابتدایی کودک از ظواهر و محسوسات را به عالم غیب و معنا نزدیک کند.	
منجر به اصلاح اندیشه‌ها، انتخاب‌ها و رفتارهای ناپسند و دوری از رذایل و صفات ناپسند شود (Beheshti, 2016).	
تلفیقی (Alamulhuda, 2006) به معنای ترکیبی از نوع وحدت‌گرا باشد؛ یعنی نوعی از تلفیق که متضمن وحدت محتوا و ارتباط معنادار همه ارکان آن است.	فراوندهای یاددهی- یادگیری
گرایش محوری و ایجاد شوق و رغبت در اولویت امور تربیتی قرار گرفته و آموزش در مرتبه بعدی با در نظر گرفتن لوازم سیادت مدنظر قرار گیرد.	
بازی‌محور و فعالیت‌محور باشد و بازی هم به‌عنوان روش مربی‌گیری و هم به‌عنوان برنامه درسی در نظر گرفته شود (Wisneski & Reifel, 2012).	
ویژگی‌های منحصر به فرد هر کودک را در یادگیری، تفکر و عمل به صورت مجزا در نظر بگیرد تا علاوه بر رعایت سیادت او، جنبه حبی و انسی کودک در این سه عرصه تقویت شود.	
زمینه تجربه‌ورزی، تجربه‌اندوزی، مدیریت درونی و اراده‌ورزی قوی کودک را مهیا کند و به او، امکان انتخاب، تجربه و اعمال اراده بدهد.	
از روش آیه‌بینی در مواجهه با موقعیت‌های مختلف جهان خلقت بهره گیرد.	
متناسب با فطرت کودک، نشاط‌آور، امیدآفرین، لذت‌بخش، منعطف و انگیزه‌بخش باشد و ظرفیت مطالبه کمال و بی‌نهایت در او را از بین نبرد.	
زمینه‌ساز بروز و رشد و تقویت گرایش‌های فطری کودک بوده و حس رقابت، حسادت، تبعیض و دیگر رذایل اخلاقی را در میان کودکان، تحریک یا ایجاد نکند.	
در تمام سطوح گرایشی، ادراکی و رفتاری، غنی از ارزش‌ها بوده و مضر برای تربیت کودک نباشد، بلکه موانع تربیت او را رفع کند (Movahediparsa et al., 2018) و شکل دهنده	محیط، ابزار و تجهیزات

گرایش‌های منفی و انتقال دهنده ارزش‌های غیراسلامی نبوده و مبتنی بر ارزش‌های اسلامی-ایرانی جهت ایجاد گرایش به خیرهای حقیقی باشد. متنوع، متکثر، برانگیزاننده روحیه کندوکاو، جستجوگری و پرسش‌گری، سرشار از فرصت‌های تجربه‌ورزی و تجربه‌اندوزی، ایجادکننده موقعیت‌های زندگی و یادگیری و تمهیدکننده شرایط بازی و آزادی و فعالیت و مهارت‌آموزی کودک باشد. آکنده از محبت و احترام، تحکیم‌بخش فضای خانه و خانواده، امن، اعتمادساز، تقویت‌کننده تحرک و شادابی و ویژگی زیبایی‌دوستی و حافظ سلامت معنوی کودک، حمایت‌کننده و بسترساز شکوفایی و رشد فطری کودک در ابعاد معنوی، جسمی، عاطفی و شناختی او باشد. زمینه بسط آزادی کودک و بازی و فعالیت او را به نحو سالم فراهم کند. بسترساز ادراک نظم به‌عنوان راه رسیدن به خیر برای کودک باشد ولی پای‌بندی به نظم را از او مطالبه نکند.	
احترام، عزت‌نفس و کرامت ذاتی کودک را پاس داشته (Okhovvat, 2016) و با او محترمانه و کریمانه برخورد کنند (Mousavi, 2023) و مانع اراده‌ورزی او نشده بلکه آن را در جهت خیرها تقویت کنند. به او به چشم امانت خداوند نگریسته و در خانواده و محیط تربیتی اجتماعی او از حقوق تربیتی و سیادت او صیانت کنند و به تعبیری، خدشه در امانت وارد نیاورند. پاسخ‌گوی نیاز کودک به محبت، ابراز وجود و توجه ویژه باشند و نسبت به او، رفتار پرمحبت داشته باشند (Aarafi, 2021). چراکه محبت سرشار اعضای خانواده بسترساز ارتباط عاطفی او و همراهیش با برنامه‌های تربیتی والدین و مربی خواهد بود. رفتار و فرایند تربیتی آنها پوشاننده فطرت نبوده؛ بلکه مبتنی بر فطرت باشد و کودک را از جهات مختلف بشناسند (Bakhtiar Nasrabadi et al., 2011). به کودک به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اقدامات تربیتی، اجازه بازی (Mousavi, 2023) و تجربه‌ورزی دهند و با مدیریت محیط بازی او، اختصاص وقت کافی و هم‌بازیگری با او، ارتباط عاطفی خود را با او افزایش دهند (Mousavi, 2023). گرایش‌های کودک را در جهت کشف و درک حقایق و طلب حق هدایت کنند.	والدین و مربی
یادگیری و ارزشیابی، مفاهیمی به هم وابسته‌اند، بنابراین ارزشیابی باید یادگیری را حمایت و پشتیبانی کند و فقط زمانی می‌توان گفت سودمند است که هدف از آن، رشد، تحول یا توانمندسازی کودک باشد (McLachlan et al., 2019). فلذا هدف از سنجش و ارزشیابی، رشد و تربیت و یادگیری کودک در جهت فطرت توحیدی و ناظر به تقویت و توسعه یکپارچه تمام ظرفیت‌های او باشد، نه ارزشیابی بی‌جهت، تک‌بعدی یا خلاف مسیر فطرت.	ارزشیابی

ناظر به موقعیت‌های طبیعی و نه مصنوعی زندگی کودک بوده و اجازه بروز خودِ طبیعی کودک را در بازی‌ها و فعالیت‌ها بدهد.
یکپارچه و دارای انسجام حداکثری با برنامه آموزشی و محتوا و کل‌نگر ناظر به تمام ویژگی‌های رشدی و ویژگی‌های منحصر به فرد کودک باشد.
ارزشیابی، کرامت ذاتی و عزت نفس کودک را پاس داشته و به فطرت پاک و شایستگی‌های او، اطمینان و اعتماد داشته باشد و با رویکردی منفی و تنبیهی، ناشی از سوءظن یا میج‌گیری با او برخورد نکند.
کودک را تحت فشار قرار نداده، ملاک‌های سخت‌گیرانه نداشته و ضمن در نظر گرفتن موقعیت و شرایط منحصر به فرد هر کودک، ناقض سیادت و خودباوری و مانع ظرفیت‌سازی و پرورش فطری او نباشد.

نتیجه این تلفیق را در هدف زیر می‌توان خلاصه کرد:

برنامه درسی دوره اوان کودکی بایسته و شایسته است به گونه‌ای طراحی و برنامه‌ریزی شود که مسیر کمال‌طلبی توحیدی کودک را تسهیل کرده و نه تنها، خود مانع شکوفایی فطرت و کمال‌طلبی او نشود؛ بلکه موانع این مسیر را از میان بردارد. این هدف (کمال‌طلبی توحیدی) در دوره اوان کودکی مستلزم: ۱. صیانت و پاسداشت کرامت و عزت نفس کودک؛ ۲. تربیت و تأمین زیرساخت عاطفی مورد نیاز کودک؛ ۳. تقویت گرایش او به کمال و خیرهای توانایی، دارایی، دانایی و زیبایی؛ ۴. ارتقای ظرفیت‌های وجودی او همچون توانایی انتخابگری و اراده‌ورزی و تفکر و تعقل، است. آگاهی‌بخشی مستمر و گام به گام به کودک، توسعه مشارکت خود او و پرورش روحیه تلاش‌گری، نشاط و شادابی روحی او در فعالیت‌ها نیز از جمله شرایط تحقق این هدف است؛ چراکه این مسیر را کودک در ابتدا با کمک مربی و والدین و در ادامه و نهایت باید با اشتیاق، اراده و شناخت خود طی کند تا به سطح متعالی شکوفایی فطرت برسد.

نتیجه‌گیری

در دیدگاه امام خمینی^{ره}، فطرت به عنوان ودیعه الهی و کیفیت وجودی و ایجاد انسان، جهتی الهی و توحیدی دارد و همان گونه که امکان پرورش و شکوفایی دارد؛ قابلیت به فراموشی سپرده شدن و در حجاب قرار گرفتن بر اثر تعلیم و تربیت اشتباه و خلاف جهت فطرت و غلبه هوای نفس را نیز دارد. این سرشت الهی به میزانی قدرتمند است که می‌تواند به همه گرایش‌ها، شناخت‌ها، صفات و اعمال انسان، جهتی الهی ببخشد و شوق و عشق او به دستیابی به بی‌نهایت‌ها و همه کمالات و خیرهای مطلق و درمقابل، بیزاری از نقص‌ها و شرها را موجب شود. از این رو حتی انسان‌هایی که به دنبال مطلق‌خواهی و بی‌نهایت‌طلبی در قدرت، زیبایی،

مال و ثروت، علم، حیات و... با گرایش دنیایی یا کمال‌های وهمی و تمتعات دنیوی هستند نیز در حقیقت، خداوند را به عنوان مظهر اتم کمال مطلق طلب می‌کنند؛ ولو آنکه به این طلب صفات و اسماء الهی، آگاهی نداشته باشند.

بنابراین یکی از بنیادی‌ترین اصول در تربیت توحیدی آن است که مؤلفه‌های تعلیم و تربیت از جمله برنامه درسی به گونه‌ای طراحی شود و سامان یابد که ظرفیت‌های فطری متربی، نه تنها از انحراف مصون بماند؛ بلکه شکوفا شود. فطرت توحیدی در بطن خود به کرامت ذاتی کودک اشاره دارد. در دوره اوان کودکی، نظام ارزشی انسان و پایه‌های هویتی او در حال شکل‌گیری است و کودک به دلیل غلبه عاطفه و ضعف قوه شناخت و ادراک، بیشتر از طریق گرایش‌ها در مسیر هویت‌سازی و هویت‌یابی گام برمی‌دارد؛ تا بواسطه دانش‌ها و بینش‌ها. از سوی دیگر، کودک به دلیل همین ضعف شناختی، درکی از سعادت حقیقی و مصالح خود در این دوره ندارد و در عین اینکه کمال‌طلب و بی‌نهایت‌خواه است، همه کمالات و خیرها را با محوریت خود می‌فهمد و طلب می‌کند. بنابراین برنامه درسی وظیفه دارد ضمن بسط کمال‌خواهی کودک و تسهیل حرکت شوق‌انگیز او به سمت دستیابی به کمالات مطلق، او را با مصادیق درست صفات و کمالات مطلق، آشنا سازد و گرایش‌های او را نسبت به خیرهای متعالی و در راستای نیل به سعادت حقیقی تقویت کند.

حرکت کودک در مسیر فطرت و شکوفایی آن در دوره اوان کودکی در عناصر برنامه درسی، دلالت‌هایی را به دنبال دارد و آن اینکه همه این عناصر باید در مجموع و با هم‌افزایی یکدیگر، توسعه ظرفیت‌های وجودی کودک را در حد دوره رشدی او هدف قرار دهند. به بیان تفصیلی، از گرایش‌های فطری و طهارت معنوی کودک محافظت کنند. با در نظر گرفتن موقعیت کودک از حیث زمانی، مکانی و ویژگی‌های منحصر به فرد او، باور، اعتماد و خوش‌بینی به توانایی‌ها و ظرفیت‌های او، مراعات علائق و انتخاب‌های او و محبت بی‌دریغ نسبت به او، کرامت ذاتی کودک را پاس داشته، از عزت نفس و سیادت او صیانت کنند. از طریق توجه به بیشتر و بهتر خواستن‌های کودک، روحیه کمال‌طلبی او را حفظ کرده و در مسیر و جهت خیرهای توانایی، دارایی، دانایی و زیبایی، بسط دهند. به منظور پرورش صفات مرتبط با توانایی، قدرت انتخابگری و اراده‌ورزی کودک را تقویت کرده و زمینه مهارت‌آموزی و فعالیت متنوع و متکثر او به‌ویژه بازی را مهیا سازند. صفات مندرج ذیل صفت کلی دارایی را بواسطه فراهم کردن زمینه تجربه‌اندوزی کودک و انس و شناخت او با دارایی‌های متعالی، برون‌فردی و مشترک با دیگران توسعه دهند. برای پاسخگویی به عطش دانایی و حقیقت‌جویی و حقیقت‌یابی کودک، توجهات حسی او را فعال

نگه داشته و روحیه جستجوگری، کنجکاوی و پرسشگری وی را در ضمن پرورش صفات یاریگر عقل (جنود عقل) پاس دارند. قدرت تعقل او را پرورش داده و زمینه کشف و درک معنا از یک سو و آیه‌بینی و معنایابی منطبق بر عالم معنا را از سوی دیگر برایش فراهم کنند. زیبایی دوستی کودک را از طریق ایجاد محیطی سرشار از عاطفه و رقت قلب، انس او با فضیلت‌های اخلاقی، زیبایی‌های حقیقی و طبیعت در بستری غنی از ارزش‌ها، ایمن، نشاط‌آور، امیدآفرین، لذت‌بخش، انگیزه‌بخش و تاحدممکن، به‌دور از ضدارزش‌ها، ناامنی‌ها، خستگی‌ها، ملال‌ها، ناامیدی‌ها، کم‌خواهی‌ها و نقصان‌خواهی‌ها و... تعالی دهند.

توجه به هر یک از این ملاحظات در عناصر برنامه درسی، در تعیین انتظارات عملکرد از کودک در دوره اوان کودکی و طراحی نشانگرها و شایستگی‌های پایه و تخصصی این دوره تأثیر خواهد داشت که می‌تواند موضوع پژوهش‌های دیگر قرار گیرد.

References

- Aarafi, A. (2021). *Educating Children with a Jurisprudential Approach. [Talime Farzand ba Roykarde Feqhi]*. Eshraq va Erfan.
- Alamulhuda, J. (2006). *The Foundations of Islamic Education and Curriculum Planning "Based on Sadra's Philosophy"*. Imam Sadeq University.
- Altınok, N., Over, H., & Carpenter, M. (2023). Young Children Use Imitation Communicatively. *Experimental Child Psychology*, Vol. 231. <https://doi.org/10.1016/j.jecp.2023.105654>
- American, Public, & University. (2024). *What Is Early Childhood Education and Why Is It Essential?* <https://www.apu.apus.edu/area-of-study/education/resources/what-is-early-childhood-education-and-why-is-it-essential/>
- Bakhtiar Nasrabadi, H., Ahl Sarmadi, N., & Ansari, M. (2011). Studying the Foundations of Knowledge and its Educational Implications in the Thought of Imam Khomeini (may Allah have mercy on him). *The Mirror of Knowledge*, 11(3). 151-166. https://jipt.sbu.ac.ir/article_95240.html
- Beheshti, M. (2016). The Position of Human Nature (Fitrah) in the Education Perspective of Imam Khomeini. *Islamic Education*, 11(22). 7-23. https://islamicedu.rihu.ac.ir/article_1049.html
- Berk, L. E. (2016). *Development through the Lifespan*. (Y. S. Mohammadi., Trans.; Vol. 1.). Arasbaran.
- Committee on the Science of Children Birth to Age 8: Deepening and Broadening the Foundation for Success; Board on Children, Y., and Families; Institute of Medicine; National Research Council. (2015). *Transforming the Workforce for Children Birth through Age 8: A Unifying Foundation*. In A. LR., and, & K. BB. (Eds.), *Child Development and Early Learning*. National Academies Press (US). <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/books/NBK310550/>
- Danaeefard, H. (2016). *Methodology of Denotational Studies in the Social Sciences and Humanities: Foundations, Definitions, Importance, Approaches, and Implementation*

- Stages. *Methodology of Social Sciences and Humanities*, 22(86). 39-71.
https://method.rihu.ac.ir/article_1148.html?lang=fa.
- File, N. (2012). *Curriculum and Research: What Are the Gaps We Ought to Mind?*. Routledge.
- Ghafoori Nezhad, M. (2017). The Function of Fitrah Theory (the Inborn Position of Human) in the Intellectual System of Hakim Shahabadi. *JIM.*, 9(17). 153-168.
<http://erfanmag.ir/article-1-613-fa.html>
- Haerishirazi, M. S. (2017). *Taaloq [Belonging]*. Maaref.
- Hojjati, S. M. (2023). *Islam and Education*. Islamic Culture Broadcasting Institute.
- Jafari Horestani, A. (2015). *Epistemological Foundations of Imam Khomeini's Thought :with Emphasis on Anthropology and the Theory of Nature*. Imam Sadegh University Student Mobilization Research Center.
- Khamenei, S. A. (1987). *Meeting with the Children and Teenager Radio Group* (22/05/1987). (A. Bankipourfard., Ed.). Hadith of the Path of Love.
- Khamenei, S. A. (1992). *Message to the Scientific and Educational Seminar for Children Under 6* (21/04/1992). (A. Bankipourfard., Ed.). Hadith of the Path of Love.
- Maleki, H. (2020). *The Theory of Monotheistic Naturalism (The Originality of Fitrah) in the Curriculum*. Madrese.
- McLachlan, C., Flier, M., & Edward, S. (2019). *Early Childhood Curriculum Planning, Assessment, and Implementation*. (S. N. Ghasemtabar & M. H. Firouzjaei, Trans.). Roshde Farhang.
- Ministry, of, Education, and, the, Supreme, Council, of, Cultural, & Revolution. (2011). *Theoretical Foundations of the Document of Fundamental Transformation in the Formal Public Education System of the Islamic Republic of Iran.*: Supreme Council of Education. Retrieved from <https://sanadtahavol.ir/wp-content/uploads/2021/02/%D9%85%D8%A8%D8%A7%D9%86%D9%8A%D9%86%D8%B8%D8%B1%D9%8A%D8%B3%D9%86%D8%AF%D8%AA%D8%AD%D9%88%D9%84%D8%A8%D9%86%D9%8A%D8%A7%D8%AF%D9%8A%D9%86.pdf>
- Mirzaei, H. (2013). *Keys to Human Personality from the Islamic Perspective*. Ayande Negarn.
- Mousavi Khomeini, S. R. (1990). *Sirr Al-salat [The Secret of Prayer]*. The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Mousavi Khomeini, S. R. (1993). *Sharhe Arbaiin Hadith [Commentary of Forty Hadith]*. The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Mousavi Khomeini, S. R. (2010a). *Sahifa Imam*. (Vol. 8.). The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Mousavi Khomeini, S. R. (2010b). *Sahifa Imam*. (Vol. 12.). The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Mousavi Khomeini, S. R. (2010c). *Sahifa Imam*. (Vol. 14.). The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Mousavi Khomeini, S. R. (2010d). *Sahifa Imam*. (Vol. 20.). The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Mousavi Khomeini, S. R. (2012). *Shrahe Hadithe Junud Aql wa Jahl [Commentary on the Hadith of Army of Intellect and Ignorance]*. The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.

- Mousavi Khomeini, S. R. (2013). *Taqirrate Falsafe (notes)*. (Vol. 3.). The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Mousavi, S. N. (2023). Examining the Hadiths of "Three Seven Years" from the Point of View of Educational Jurisprudence. *Research in Islamic Education Issues*, 30(57). 89-115. <https://doi.org/doi: 20.1001.1.22516972.1401.30.57.3.4>
- Movahediparsa, F., Javidii Kalateh Javarabadi, T., Banari, A., & Shabanivaraki, B. (2018). The Possibility of Moral Education of Children under Seven Based on Islamic Teachings (Quranic Verses and Traditions). *Islamic Education*, 13(26). 7-24. <https://doi.org/doi: 10.30471/edu.2018.1401>
- Nejat Raizan, A., Alah Bedashti, A., & Mansori, E. (2015). Princioals of Human Dignity in vies of Imam Khomeini. *Philosophy of Religion*, 12(1). 131-154. <https://doi.org/doi: 10.22059/jpht.2015.53966>
- Okhovvat, A. (2016). *Principles and Skills of Raising Children (2 to 7 Years Old. With a Tayeb-choosing Approach)*. Quran and Ahlul Bayt of the Prophethood.
- Petrovich, O. (2025). *Psychology and Religious Education (Developmental Psychology and Young Children's Religious Education)*. Tarjoman.
- Shahabadi, M. (2002). *Shazarat al-Maaref. Correction and Research of the Islamic Sciences and Maaref Foundation*. Headquarters for Commemorating the Status of Mysticism and Martyrdom.
- Supreme, Council, of, & Education. (2012). *National Curriculum*. Tehran:: Supreme Council of Education.
- Tabatabaee. (2001). The Role of Love in the System of Existence from Imam Khomeini's Point of View. *Matin Research*, 3(10), 167-208. https://matin.ri-khomeini.ac.ir/article_191148_b3e09d26e23028dcda579f40ed5fc295.pdf
- Tarkhan, G. (2019). The Theory of Innate Nature as the Epistemological Foundation for Humanities. *Theosophia Practica.*, 11(40). 7-30. <https://doi.org/doi: 10.22081/pwq.2019.67174>
- Wisneski, D. B., & Reifel, S. (2012). The Place of Play in Early Childhood Curriculum. In *Curriculum in Early Childhood Education: Re-examined, Rediscovered, Renewed*. (pp. 175–187.). Routledge. <https://books.google.com/books?id=f8OoAgAAQBAJ>